

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۰ سپتمبر ۲۰۱۵

سازشکاری حکومت اسلامی و امریکا و سرکوبهای داخلی، سیاست تازه‌ای نیست؟ (بخش چهارم و پایانی)

اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام دو روز پس از امضای موافقت‌نامه ژنیو به روزنامه امریکائی فایننشال تایمز گفت، بدون شکست تابوی مذاکره با امریکا دست یافتن به این توافق ممکن نبود. در سه ماه پایانی سال ۲۰۱۳ میلادی مذاکرات هسته‌ای که در هشت سال گذشته یا قطع بود یا به «گفتگو برای گفتگو» تقلیل یافته بود، به صورت جدی آغاز شد و با شتاب به توافق‌های اولیه رسید.

دور نخست مذاکرات هسته‌ای در ژنیو در ۱۵ و ۱۶ اکتوبر انجام گرفت و دور دوم، سه هفته بعد در هفتم نوامبر از سرگرفته شد. در دور دوم مذاکرات که مانند دور نخست در سطح معاونان وزیر برگزار می‌شد، مذاکره‌کنندگان در آستانه امضای موافقت‌نامه قرار داشتند.

روز دوم این مذاکرات جان کری به دعوت کاترین اشتون، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، سفر خود به خاورمیانه را نیمه‌کاره رها کرد و با شتاب به ژنیو رفت. این اتفاق و مذاکرات پنج ساعته او با ظریف در حضور اشتون، امیدواری‌های فراوانی برای امضای یک توافق‌نامه به وجود آورد. امیدواری به این دور از مذاکرات زمانی افزایش یافت که بقیه وزیران خارجه کشورهای ۱+۵ نیز یکی بعد از دیگری راهی ژنیو شدند.

کمتر از دو هفته بعد بار دیگر نمایندگان ایران و کشورهای ۱+۵ در ژنیو گردهم آمدند تا متن نهائی توافق‌نامه را امضاء کنند. این مذاکرات از ۲۰ تا ۲۴ نومبر طول کشید.

در توافق‌نامه ژنیو به صراحت تأکید شده که تمام برنامه‌های هسته‌ای ایران باید به گونه‌ای فروکاسته شود که خطر فعال سازی آن‌ها در جهت ساخت سلاح هسته‌ای در کوتاه مدت از بین برود.

اصول‌گرایان و شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انتقادهای تندی به توافق‌های ژنیو کرده‌اند که تا کنون به هیچ اقدام عملی علیه موافقت‌نامه منجر نشده است.

توافق‌نامه ژنیو در ایران و امریکا مخالفانی دارد که هر دو کشور آن‌ها را «نیروهای تندرو» می‌خوانند. در ایران برخی نمایندگان مجلس خواستار برکناری ظریف شدند و ۱۱۰ نماینده طرحی را امضاء کردند که در صورت تصویب، توافق ژنیو را منتفی می‌کرد.

دفاع خامنه‌ای از توافق‌نامه ژنیو و مسکوت ماندن طرح نمایندگان مجلس نشان داد که او پیش از روی کار آمدن حسن روحانی ضرورت عقب نشینی از برنامه‌های مناقشه‌برانگیز اتمی را پذیرفته بود و با تشکیل دولت یازدهم افراد مناسب برای پیش‌برد این منظور وارد صحنه شدند.

انتشار خبر پاسخ خامنه‌ای به نامه اوپاما و اکنش‌های وسیعی را در سطح رسانه‌های بین‌المللی و داخلی برانگیخت. یک ماه قبل از انتخابات سال ۸۸، باراک اوپاما چهل و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا، نامه‌ای خطاب به خامنه‌ای نوشت و از او درخواست کرد برای شروع فصل جدیدی از مناسبات بین آمریکا و ایران تلاش کند. اوپاما در آن نامه اذعان کرده بود که هیچ موضوعی از موضوعات منطقه غرب آسیا، بدون کمک و حضور ایران حل نخواهد شد.

باراک اوپاما در بهمن ماه [دلو] سال ۱۳۹۱، مجدداً به خامنه‌ای نامه نوشت و از آمادگی کشورش برای رسیدن به توافق دوجانبه در زمینه پرونده هسته‌ای با ایران خبر داد.

پس از آن که علی اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل خامنه‌ای و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یک برنامه تلویزیونی، گفت که ما هم باید مثل طرف مقابل با تدبیر و پیچیدگی عمل کنیم و با هر شش طرف در گفت و گوی هسته‌ای مذاکرات جداگانه هم داشته باشیم، عباس عراقچی می‌گوید ما با آمریکا مذاکرات جداگانه داریم و آن را پنهان نکرده‌ایم.

به نوشته سایت رادیو فردا (radiofarda)، دو روز پس از آن که علی اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل رهبر حکومت اسلامی، خواستار مذاکره جداگانه ایران با همه کشورهای ۱+۵ شد، عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه و عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، تصریح کرد که ایران و آمریکا درباره پرونده هسته‌ای تهران در حال مذاکره مستقیم هستند.

به گزارش ایسنا، عراقچی روز یکشنبه هشتم دی [جدی] ۹۴، گفت که «ما در حال این مذاکره هستیم و در حاشیه تمامی مذاکرات با ۱+۵ که در دوره اخیر انجام شد مذاکره مستقیم با هر شش کشور از جمله آمریکا در دستور کار بود.»

عراقچی تصریح کرد که «این موضوع گفته شده و آن را پنهان نکرديم. هم در نیویورک، هم در ژنیو و هم در وین و هم در جلسات کارشناسی این نشست‌ها انجام شده و مذاکرات مستقیم جدی دوجانبه با آمریکایی‌ها داشتیم.» علی اکبر ولایتی، هفته پیش در تلویزیون ایران، با اشاره به گفت‌وگوهای جمهوری اسلامی با ۱+۵ گفت: «ما باید با کشورهای مختلف به صورت جداگانه صحبت کنیم زیرا هر کدام از این کشورها خصوصیت و منافع خاص خودشان را دارند.»

به گفته ولایتی که در دولت‌های میرحسین موسوی و اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۶ سال وزیر امور خارجه حکومت اسلامی بود، ایران «اگر با تک تک این شش کشور به اقتضاء تعامل» و «مذاکره دو به دو» نداشته باشد، از «روش درستی» استفاده نکرده است.

چند روز پیش از سفر حسن روحانی به شصت و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۲، باراک اوپاما به حسن روحانی نامه نوشت و روحانی به این نامه پاسخ داد. کاخ سفید گفت: «محتوای اصلی نامه اوپاما به روحانی را منتشر کرده است. موضوع برنامه هسته‌ای ایران و مذاکرات مربوط به آن، محور اصلی این نامه را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، اوپاما نسبت به یافتن راهکاری برای موضوع هسته‌ای ایران ابراز تمایل کرده است.» حسن روحانی نیز درباره نامه گفت: «این می‌تواند قدم‌های کوچکی برای آینده‌ای بسیار مهم باشد.»

در ۲۸ شهریور [سنبله] ۱۳۹۲ حسن روحانی در گفتگو با شبکه ان.بی.سی آمریکا، در پاسخ به سؤالات آن کاری مجری این برنامه در خصوص مسائل گوناگون از جمله حضور و سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد،

مذاکرات هسته‌ای، رابطه با امریکا و غیره سخن گفت. او در این مصاحبه گفت لحن نامه باراک اوباما به من مثبت و سازنده بود. همچنین حسن روحانی از داشتن اختیارات تام در مذاکرات هسته‌ای با غرب خبر داد. در ۳۰ شهریور ۱۳۹۲ برخی از روزنامه‌ها در ایران از احتمال دیدار حسن روحانی در شصت و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد که قرار است ۳۱ شهریور ماه برگزار شود خبر دادند. حسن روحانی در ۲۸ شهریور ۱۳۹۳، در گفتگو با شبکه ان.بی.سی امریکا، گفته بود دیدار با باراک اوباما در دستور کار من نیست اما هر چیزی در دنیای سیاست امکان‌پذیر است. سخنگوی کاخ سفید هم گفته بود اوباما آماده دیدار با روحانی است. جان کری وزیر امور خارجه امریکا گفت اظهارات حسن روحانی مثبت است.

هنگامی که حسن روحانی در نیویورک به سر می‌برد اوباما امید به ملاقات روحانی داشت اما طرف ایرانی این ملاقات را بسیار پیچیده دانست و لذا ملاقاتی صورت نگرفت. در جریان این سفر، محمود جواد ظریف، در چارچوب مذاکرات هسته‌ای با جان کری وزیر امور خارجه امریکا دیدار کرد که اولین دیدار وزرای امور خارجه دو کشور از ۱۳۵۸ تا آن زمان بود. پس از دیدار رضایت‌بخش وزرای خارجه ایران و امریکا در تاریخ ۴ مهر [میزان] ۱۳۹۲ در قالب مذاکرات ۱+۵ و نیز مذاکره خصوصی دو طرف پس از پایان جلسه در تاریخ ۵ مهر ۱۳۹۲، هنگامی که حسن روحانی در راه محل اقامت خود در نیویورک به سمت فرودگاه برای حرکت به سمت ایران بود، روسای جمهور ایران و امریکا از طریق تلفن با یکدیگر صحبت کردند. در این تماس تلفنی، طرفین تأکید کردند که اراده سیاسی برای حل سریع مسأله هسته‌ای ایران را دارند. دو طرف همچنین وزرای امور خارجه خود را مأمور کردند تا زمینه همکاری‌های لازم را هرچه زودتر فراهم آورند. این بالاترین سطح تماس میان دو کشور از زمان انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ بوده است. کاخ سفید، عکسی از لحظه تماس تلفنی بین دو رئیس جمهور را منتشر نمود.

روحانی در نشست خبری پس از بازگشت از نیویورک گفت سخنرانی اوباما را گامی مثبت برای حل مسایل ایران و غرب ارزیابی می‌کنیم. لحن سخنرانی برخی از مقامات عالی رتبه اروپایی و همچنین سخنرانی اوباما که لحنی متفاوت با گذشته داشت باید به عنوان یک قدم مثبت برای حل و فصل مسایل بین ایران و غرب ارزیابی کنیم. برنامه مقدماتی برای برگزاری نشست دو جانبه بین ایران و امریکا فراهم شده بود که بین من و اوباما دیداری برگزار شود. طرف امریکائی ابراز تمایل کرده بود و ما هم مشکلی برای دیدار نداشتیم اما در برنامه ریزی برای نحوه این دیدار و نتایجی که دیدار اول باید داشته باشد، وقت و زمان کافی نبود و دو طرف بر این توجه کردند که زمان کافی وجود نداشت.

حسن روحانی در رابطه با دیدار باراک اوباما در نیویورک گفت بین ما و امریکا مسائل بسیاری از ۶۰ سال گذشته وجود داشته است، امریکا با ایران قبل و بعد از انقلاب تنش‌هایی داشته، مسائل مهمی در منطقه نسبت به ایران بوده است، این که ملاقاتی در سطح دو رئیس جمهور بعد از ۳۵ سال انجام شود نیاز به مقدماتی داشت به همین دلیل این کار نارس بود، به همین دلیل این ملاقات انجام نشد.

روحانی درباره مباحث مطرح شده در گفتگوی تلفنی گفت بحثی که با اوباما داشتیم عمدتاً مسأله هسته‌ای بود، گفتیم این مسأله نه تنها حق مردم ایران است بلکه غرور ملی ملت ایران است که رئیس جمهور امریکا هم عنوان کرد ما به حقوق هسته‌ای ملت ایران اذعان داریم. وی ادامه داد: درباره ۱+۵ گفتیم با دریچه‌ای که از سوی ملت ایران ایجاد شده باید از این فرصت استفاده و در این مسأله تسریع کرد که رئیس جمهور امریکا گفت: من به وزیر خارجه دستور می‌دهم که در این امر تسریع داشته باشد؛ عمده بحث ما این بود که در بحث هسته‌ای با سرعت بیش‌تری عمل کنیم.

حسن روحانی در چهارمین و آخرین روز از سفر خود به نیویورک، در پاسخ به سؤال خبرنگار نیویورک رتایمز در باره دستاوردهای این سفر، گفت: می‌خواهم این سفر اولین گام برای رابطه بین دو ملت بزرگ ایران و امریکا باشد.

می‌خواهم این سفر اولین گام برای روابط بهتر دو ملت ایران و آمریکا باشد و نسبت به دو دولت، حداقل جلوی تنش‌های بیش‌تر را بگیریم و زمینه‌ای برای دستیابی به منافع مشترک فراهم کنیم.

روحانی با تأکید بر این که در بحث رابطه میان ایران و آمریکا گذشته تلخی وجود دارد، گفت: تنش‌ها و تخصصی که از گذشته میان تهران و واشنگتن شکل گرفته یک شبه حل نمی‌شود. حسن روحانی در خصوص تمایل او باما برای دیدار و مذاکره با وی گفت: من با اصل پیشنهاد موافق هستم اما دو طرف هر چه فکر کردیم که نتیجه این ملاقات چگونه برای دو ملت هدیه مناسبی باشد، متوجه شدیم که این مسأله در این فاصله زمانی کوتاه مسیر نیست.

خامنه‌ای در بازگشت هیئت حکومت‌شان از نیویورک، از تلاش‌های آن‌ها تقدیر و حمایت کرد اما گفت برخی اتفاق‌ها از نظر او «نا به‌جا» بوده است. حامیان حکومت، اشاره خامنه‌ای را به گفتگوی تلفنی او باما و روحانی و طولانی شدن مذاکره دو نفره ظریف و جان کری نسبت دادند اما بعید است این اقدام‌ها بدون موافقت خامنه‌ای صورت گرفته باشند. حسن روحانی و ظریف، قبل و بعد از سفر نیویورک تأکید کردند که با هماهنگی کامل با خامنه‌ای عمل می‌کنند و از خطوط قرمز مورد نظر او فراتر نخواهند رفت.

ظریف و کری پس از این «تذکر» دست‌کم ده بار (تا جایی که خود ظریف به آن‌ها اشاره کرده) با یکدیگر گفتگوی تلفنی و حضوری کرده‌اند که محتوای آن‌ها چنان که ظریف هفتم دسامبر به مجله تایم گفته بهتر است «خصوصی» بمانند. وزیر خارجه ایران به تایم گفته است، بدون بحث و مذاکره با اعضای گروه ۱+۵ به ویژه با آمریکا امکان رسیدن به توافق‌های هسته‌ای در ژنیو وجود نداشت.

او در این گفتگو تأکید کرده که مذاکره دوجانبه با آمریکا در حاشیه رایزنی با گروه ۱+۵ از زمان سعید جلیلی و با مذاکرات مستقیم او با بیل برنز، دستیار وزارت خارجه آمریکا آغاز شد.

به نظر می‌رسید برخی از اظهارنظرها در این‌باره دو انگیزه اصلی داشته باشد؛ یکی مصرف داخلی که عقب‌نشینی‌های صورت گرفته در برابر غرب را به پای «دولت سازشکار» بنویسد، دیگری منزله کردن خامنه‌ای در صورت به بن‌بست رسیدن مذاکرات.

عابد فتاحی پس از نخستین جلسه مشترک حسن روحانی با نمایندگان مجلس در تاریخ ۹ مهر ۱۳۹۲ از قول حسن روحانی گفت تأثیر گفتگوی ایران و آمریکا به حدی خوب بوده که مقرر شده در کنگره آمریکا گروه دوستی با ایران تشکیل شود که در این صورت نیز باید در مجلس شورای اسلامی، گروه دوستی با آمریکا تشکیل شود. حسن روحانی در جلسه‌ای که در تاریخ نهم مهرماه سال ۹۲ با نمایندگان مجلس داشت توضیحاتی درباره تمایل او باما و خودش برای گفتگوی تلفنی پرده برداشت. درخواست از روحانی برای مذاکره قبل از حرکت از ایران شروع شده بود. روحانی هدف از این مذاکره تلفنی را حفظ جایگاه او باما و خنثی کردن لابی جمهوری خواهان که به منظور فشار بر او باما ایجاد شده بود بیان کرد.

پس از مذاکرات ژنیو ایران و گروه ۱+۵ در ۲۳ و ۲۴ مهر ۱۳۹۲ در مقر سازمان ملل در ژنیو، سوئیس به مذاکره پرداختند. ظریف و اشتون در پایان این مذاکرات بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که بی‌سابقه بود.

دور بعدی مذاکرات ۷ نومبر - ۱۷ آبان، آغاز شد. روز بعد وزرای امور خارجه آمریکا، آلمان، روسیه، بریتانیا و فرانسه هم به طور غیر منتظره‌ای به مذاکرات پیوستند. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به مدت پنج ساعت با حضور اشتون با یکدیگر گفتگو کردند. این مذاکرات پس از سه روز گفتگوی فشرده بدون دستیابی به توافق پایان یافت. کری پس از پایان گفتگوها، گفت پیشرفته‌ای چشم‌گیری داشته‌اند و به نقطه مشترک نزدیک شده‌اند.

دور بعدی گفتگوها ۲۰ نومبر آغاز شد. پس از سه روز گفتگوی بی نتیجه وزاری امور خارجه هر شش کشور در ۲۳ نومبر به مذاکرات پیوستند و نهایتاً پس از روزها مذاکره فشرده در ساعت ۳ بامداد روز یکشنبه ایران و ۵+۱ به توافقی دست یافتند و مذاکرات به پایان رسید. خبرگزاری آسوشیئد پرس یک روز پس از پایان این گفتگوها اعلام کرد ایران و امریکا از مدت‌ها قبل (از دولت محمود احمدی‌نژاد) درگیر مذاکراتی مخفیانه بودند که از متحدین امریکا هم مخفی نگه داشته شده بود.

بخش مهم فعالیت دولت غیر از ابعاد رسانه‌ای و بسترسازی اجتماعی، تدارک دیدن روابط گسترده‌ای با امریکا (اکثراً پنهان و برخی علنی) در راستای «تعامل با امریکا» بود. عدم شفافیت، نامحرم دانستن مردم، مخفیانه بودن دیدارها و محتواهای آن‌ها مسأله‌ای است که تا امروز «دلواپسی» جدی درباره آن وجود دارد.

شائبه‌هایی جدی وجود دارد که توافقات اساسی انجام گرفته باشد و تنها می‌خواهند در زمان طولانی‌تری از آن رونمایی کنند.

اما مسؤولان اصلی تیم دولت بعد از انتشار خبر غیر رسمی، ضمن گفتن جملات چندپهلوی، مواضع متناقض و... ابتدا سعی کردند، اصل وجود نام‌نگاری را تأیید نکنند.

اما امتیازات عمده‌ای که امریکا و غرب در قبال این خوش خدمتی‌های بزرگ به حکومت اسلامی می‌پردازد؛ توسعه روز افزون نفوذ نظامی و سیاسی حکومت اسلامی ایران در عراق است. به عبارت دیگر، سپاه قدس حکومت اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی شیعه عراقی در صفوف نیروی قدس، عملاً نقش نیروی پیاده نظام عملیات هوایی امریکا و متحدانش در عراق را ایفا می‌کنند.

اسناد و شواهد ثابت می‌دهند که سپاه قدس و حزب‌الله؛ همانند پیشمرگه‌های اقلیم کردستان عراق؛ به ارتش‌های خصوصی و به نیروی پیاده نظام امریکا و ناتو در عراق تبدیل شده‌اند و با هماهنگی کامل حملات هوایی ناتو به پیشروی‌های خود در شهرها و ولایات عراق ادامه می‌دهند... و این موضوع تحقق همان استراتژی است که توسط هنری کیسنجر در آغاز حملات امریکا و ناتو به عراق و سوریه؛ طراحی و به سران امریکا پیشنهاد شده بود. یعنی حملات هوایی از امریکا و انگلیس و پیشروی و فتح سرزمین‌های سوخته از آن سپاه قدس و حزب‌الله و پیشمرگه‌ها!...

فهرست این دیدارهای مقامات ایرانی و امریکائی، رفتارها و موج‌سازی‌های رسانه‌ای برای تابوشکنی از رابطه با حاکمیت امریکا و ایران، این‌چنین جمع‌بندی کرد:

نامه اوباما به روحانی و پاسخ روحانی (مرداد [اسد] ۱۳۹۲ - نامه در اواخر شهریور ۹۲ و هم‌زمان با حضور روحانی در امریکا افشا شد)؛ سفر سلطان قابوس به تهران و ادعاهای مبنی بر آوردن پیام از امریکا (۳ شهریور ۱۳۹۲)؛ سفر فلتن (معاون سابق وزارت امور خارجه امریکا، سفیر سابق امریکا در بیروت به تهران درباره موضوع سوریه) (۴ شهریور ۹۲)؛ دیدار پنهانی عراقچی وزیر امور خارجه، با امریکائی‌ها در مسقط (تابستان ۹۲)؛ دیدار وزرای خارجه ایران و امریکا در نیویورک (۴ مهر ۹۲)؛ تماس تلفنی روحانی با اوباما در نیویورک (۵ مهر ۹۲)؛ طرح لزوم پرواز مستقیم تهران-واشنگتن اکبر ترکان (مهر ۹۲)؛ تلاش برای حذف شعار مرگ بر امریکا (مهر ۹۲)؛ اعتراض سیستماتیک به بیلبردهای ضد امریکائی (آبان [عقرب] ۹۲)؛ دیدارهای محرمانه معاونان وزیر امور خارجه ایران با امریکائی‌ها در مسقط که منجر به توافق‌نامه ژنیو شد (مهر و آبان ۹۲)؛ نامه روحانی به اوباما - که خبر چندانی از آن منتشر نشده است (زمستان ۹۲)؛ زمزمه‌ی بازگشائی سفارت امریکا در ایران توسط مسؤولین دولتی (بهمن ۹۲)؛ دیدار وزرای خارجه ایران و امریکا در کنفرانس مونیخ (بهمن ۹۲)؛ فرود آمدن هواپیمای مسافربری امریکائی در فرودگاه مهرآباد (فروردین ۹۳)؛ انتشار خیر راه‌اندازی اتاق بازرگانی ایران و امریکا (اردیبهشت ۹۳)؛ مذاکرات رسمی دو

جانبه ایران و امریکا(خرداد[جوزا] ۹۳)؛ اظهارات مستمر دولتی‌ها درباره دوستی با امریکا و کنار گذاشتن کدورت‌ها و ...

فهرست بلندبالای فوق تنها بخشی از اقدامات انجام شده از سوی حاکمیت امریکا و ایران است که به رسانه‌ها درز پیدا کرده است. انتشار مقالات، گزارش‌ها، مصاحبه‌ها و سایر فعالیت‌های خاص رسانه‌های حامی دولت نیز در همین برهه گستردگی فراوانی داشته است. در حالی که بخش اعظم مذاکرات و بده و بستان‌های تاکتونی آن‌ها، در پشت درهای بسته و بدون حضور رسانه‌ها و با مفعی‌کاری تمام از افکار عمومی صورت گرفته است.

در جمع‌بندی می‌توان تأکید کرد که مرور تجربه رفتار سران حکومت اسلامی و امریکا، نشان می‌دهد که استراتژی توافق سران هر دو حکومت با محدودیت‌هایی در هر دو کشور روبه‌رو هستند به خصوص احتمال دارد کنگره امریکا که اکثریت کرسی‌هایش در دست جمهوری خواهان است، این توافق را رد کند. بنابراین اصلی‌ترین توافق ایران با امریکا، در خفا صورت گرفته است. از این‌رو، هر دو دولت، همواره تلاش می‌کنند اصل وجود روابط و توافقات را پنهان کنند. و اتفاقا امریکائی‌ها نیز علاقه جدی دارند تا این توافقات را افشا نکنند. اما در همه موارد، مذاکرات پنهانی امریکا و ایران به نوعی رسانه‌ای می‌شود. موضع هر دو دولت پس از افشای برخی روابط نیز تلاش برای تکذیب اصل ماجرا با گرفتن مواضع مبهم، چندپهلوی و متناقض است. پس از گسترده‌شدن ماجرای رسانه‌ای سعی می‌کنند تا با تأیید تلویحی، روابط افشا شده را خیلی عادی نشان دهند. اما معمولاً این رسانه‌های امریکائی و غربی هستند که اشاره‌هایی به بخشی از روابط پنهانی آن‌ها می‌کنند. هر چند همین توافقات محرمانه دو جانبه است که سند اصلی خروجی جلسات ۱+۵ می‌شود و مبنای عمل قرار می‌دهد.

در جمع‌بندی می‌توان تأکید کرد که خلاف پذیرش قطعنامه خاتمه جنگ با عراق که نخستین رهبر جمهوری اسلامی، روح‌الله خمینی آن را آشکارا به «نوشیدن جام زهر» تشبیه کرده بود، جانشین او، علی خامنه‌ای تمام ابراز تبلیغاتی موجود را به کار گرفته تا چرخش و عقب‌نشینی از شعارها و برنامه‌های پیشین را به عنوان «نرمش قهرمانانه» و «ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها» غرب جلوه دهد. به علاوه پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، خمینی بلافاصله فرمان کشتار زندانیان سیاسی را صادر کرد که در بهار و تابستان ۱۴۶۷، چندین هزار زندانی سیاسی را قتل‌عام کردند سؤال این است که اکنون خامنه‌ای چه طرحی برای سرکوب‌های هولناک جنبش‌ها ساسی - اجتماعی و مردم آزاد ایران دارد؟ دلیل این همه وحشی‌گری‌های حکومت اسلامی، با هدف پیش‌گیری و زهرچشم گرفتن از جامعه صورت می‌گیرد که کسی جرأت اعتراض به خود راه ندهد. به ویژه راه انداختن اعدام‌های خیابانی و دست و پا بردن افرادی که از سر نداری و ناچاری دست به زدنی زده‌اند. در حالی که دزدها کلان و میلیارد دلاری اموال عمومی مردم ایران، مانند بابک زنجانی‌ها و...، ظاهراً در «هتل اوین» و در تجمعات زندگی می‌کنند.

حقیقت این است که در پس این توافق و این‌گونه تعهدات غرب مسائل دیگری نیز نهفته است. بدین ترتیب قرار است که تضمین داده شود تا دست حکومت اسلامی ایران، برای سرکوب‌های گسترده داخلی باز شود و خیال سران حکومت از سوی نهادهای بین‌المللی آسوده باشد. همان‌طور که در جریان کشتار تابستان ۱۳۶۷، حکومت اسلامی ایران با خیال آسوده هزاران نفر از زندانیان سیاسی را در زندان‌ها به جوخه اعدام سپرد و هیچ‌یک از دولت‌ها و نهادهای «مدافع حقوق بشر» هم سخنی نگفتند! از این‌رو، ضروری‌ست که شهروندان مترقی ایران، به ویژه جنبش‌های اجتماعی و در پیشاپیش همه جنبش کارگری ایران، خودشان را برای تحولات آتی جامعه‌مان آماده کنند و منتظر حوادث خودبه‌خودی نباشند.

چرا که برای کارگران و محرومان جهان، فرقی نمی‌کند که کدام یک از ابرقدرت‌ها و حکومت‌ها، قدرت سرمایه‌داری و نظامی خود را توسعه می‌دهند به این دلیل جنبش‌های اجتماعی برابری‌طلب و در پیشاپیش همه، جنبش کارگر کمونیستی

باید در تمام جهان به فکر بدیل طبقاتی و منافع طبقاتی خود باشد و برای جهانی بدون تبعیض و ستم، جنگ و خونریزی، شکنجه و اعدام، سانسور و اختناق، فقر و فلاکت اقتصادی مبارزه کند تا به جهانی بدون طبقه دست یابد. به عبارت دیگر، همان‌طور که نظام سرمایه‌داری صرف‌نظر از نیروهای مدافع آن هم چون ملی، لیبرالی، مذهبی، فاشیستی، دولتی، غیردولتی و خصوصی، کلاسیک، امپریالیستی و غیره، همگی یک هدف را دنبال می‌کنند و آن هم اعمال ستم و تبعیض و استثمار بر نیروی کار (فیزیکی و فکری)، افزایش نرخ سود و انباشت سرمایه و پیش‌برد رقابت آزاد و انحصاری شرکت‌های بزرگ و چند ملیتی در میان سرمایه‌داران برای تأمین هرچه بیشتر این انباشت است. طبقه کارگر نیز به مثابه دشمن سیستم سرمایه‌داری، همواره مخالف هدف این سیستم بوده و مبارزه برای براندازی نظام طبقاتی متکی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و استثمار و ستم و نهایتاً ایجاد جهانی فارغ از استثمار انسان از انسان دنبال کرده است.

بر اساس جهان‌بینی سیستم سرمایه‌داری که فردگرایی و منافع خصوصی را اصل مقدس خود می‌داند و چند صد شرکت عمده و چند هزار سرمایه‌دار، اکثریت ساکنان کره زمین را زیر یوغ استثمار و ستم کشانده‌اند. در حالی که طبقه کارگر رهائی کل انسان‌های تحت استثمار و ظلم و ستم را در جهان بدون هیچ‌گونه مرزی و بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای سیاسی و مذهبی، خواستار است.

البته نهایتاً حرف اول و آخر را مردم ایران با مبارزات و اعتصابات خود خواهند داد و مسیر تحولات آینده ایران را تعیین خواهند کرد. اما روشن است آنچه در معادلات آمریکا و اروپا و معاملات آن‌ها با حکومت اسلامی، به حساب نمی‌آید نیروی اکثریت قریب به اتفاق کارگران و محرومان جامعه ایران است. نیروی تعیین‌کننده‌ای که عزم راسخ دارد تا این حکومت جنایت‌کار و تروریست را به زیر کشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- جلد سوم کتاب «شصت سال صبوری و شکوری خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، ۱۱۱ روز در نوفل‌لوشاتو» (۱۴ مهر تا ۱۲ بهمن ۱۳۵۷) در دی ماه ۱۳۹۲ به صورت الکترونیک انتشار یافت.
- ۲- هویدا، فریدون: سقوط شاه، ترجمه ح.ا. مهران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ ش، ص ۲۰۲.
- ۳- ناگفته‌های انقلاب در گفت‌وگو با دکتر صادق طباطبائی: ماجرای گوادلوپ چه بود»، ص ۷.
- ۴- اسکارت، آرمسترانگ، آمریکا و سقوط شاه، ترجمه خورشید، تهران، برهام، ۱۳۶۰ ش، ص ۷۰.
- ۵- سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز: خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۵۷ ش، ص ۴۵۷.
- ۶- یزدی، ابراهیم؛ همان، صص ۹۶-۹۷.
- ۷- ر.ک: نجاتی، غلامرضا، ص ۲۱۳.
- ۸- همان، ص ۲۵۱-۲۵۶.
- ۹- مازندی، یوسف، ایران ابرقدرت قرن، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳ ش، ص ۶۵۷.
- ۱۰- برژینسکی، زیگنیف، ص ۸۲.
- ۱۱- سولیوان، ویلیام، ماموریت در ایران، ترجمه محمود مشرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۴۱.
- ۱۲- مازندی، یوسف؛ ص ۶۵۷.
- ۱۳- روبین، باری؛ همان، ص ۱۷۶.
- ۱۴- «ناگفته‌های انقلاب در گفت‌وگو با دکتر صادق طباطبائی: ماجرای گوادلوپ چه بود»، ص ۷.
- ۱۵- غفاری، هادی، خاطرات هادی غفاری، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۴۳.

- ۱۶- هایزر؛ ماموریت مخفی در ایران (خاطرات ژنرال هایزر)، ترجمه محمد حسین عادل، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۵، ص ۲۱۰.
- ۱۷- کریس امری در کتاب «روابط خارجی ایالات متحده و انقلاب ایران»، ۲۰۱۳.
- ۱۸- کیهان ۵ خرداد ۵۸.
- ۱۹- روزنامه آزادگان، ۲۸ شهریور ۱۳۶۳.
- ۲۰- روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ فروردین ۱۳۵۹.
- ۲۱- خاطرات آیت‌الله حسینعلی منتظری. چاپ دوم دی ماه ۱۳۷۹ ص ۳۱۰.
- ۲۲- روزنامه آیندگان، ۷ اسفند ۱۳۵۷.
- ۲۳- روزنامه «بامداد»، ۲۰ مهر.
- ۲۴- روزنامه «بامداد» ۲۵ فروردین ۵۹.
- ۲۵- روزنامه «جمهوری اسلامی»، ۶۶ اردیبهشت ۵۹.
- ۲۶- کیهان اول مهر ۵۹.
- ۲۷- اطلاعات ۳ آبان ۱۳۶۱.
- ۲۸- روزنامه اطلاعات ۲ مهر ۱۳۶۲.
- ۲۹- کیهان ۹ مهر ۶۲.
- ۳۰- کیهان ۴ تیرماه ۶۴.
- ۳۱- نشریه مجاهد، شماره ۳۵۸، ۱۱ مهر ۱۳۷۳.
- ۳۲- کیهان ۲۲ خرداد ۶۴.
- ۳۳- کیهان ۲۶ شهریور ۱۳۶۵.
- ۳۴- رادیو جمهوری اسلامی، اخبار ساعت ۱۴، ۲۷ تیرماه ۶۷.
- ۳۵- رادیو جمهوری اسلامی، ۲۹ تیرماه ۱۳۶۷.
- ۳۶- رادیو جمهوری اسلامی، ۱۸ مرداد ۱۳۷۰.
- ۳۷- کیهان ۱۲ بهمن ۱۳۶۲.
- ۳۸- رادیو جمهوری اسلامی، ۱۵ مرداد ۱۳۶۷.

چهارشنبه هجدهم شهریور [سنبله] ۱۳۹۴ - نهم سپتمبر ۲۰۱۵